

بسیج

متن حاضر برگرفته از یکی از سخنرانی‌های استاد محمدتقی مصباح یزدی است که به مناسبت سالگرد تأسیس بسیج در سال‌های گذشته ایراد کرده‌اند. به دلیل تقارن ایام این متن به بسیجیان عزیز مؤسسه تقدیم می‌گردد:

بسیج، عبارت است از حرکتی سریع، فراگیر و توفنده به سوی هدف والا و شناخته شده. اولین عنصر در مفهوم بسیج، عنصر حرکت است. بنابراین، با مردم ساکن و بی تحرک مناسبتی ندارد. دومین عنصر، سرعت و شتاب است و از این رو، حرکت‌های آرام و فاقد سرعت لازم را نمی‌توان حرکتی بسیجی تلقی کرد. عنصر سوم، فراگیری و جمعیتی بودن آن است. به همین دلیل، حرکت‌های فردی و پراکنده از حیث حرکت بسیجی خارج است. چهارمین عنصر، هدفمندی و انگیزه‌داری آن است. حرکت بسیجی کور و بی هدف نیست، بلکه برخاسته از شناخت و معرفت نسبت به هدفی والا و ارزشمند است؛ هدفی که برتر از هر سود مادی و منفعت دنیوی است. لذا، جا دارد همه مزایای مادی، حتی حیات دنیوی، در راه آن فدا شود. عنصر پنجم، فداکاری و ایثار است. ویژگی‌های فرعی دیگری را نیز می‌توان برای حرکت بسیج برشمرد.

به عنوان تمثیلی برای حرکت بسیجی می‌توان نیروی آب را در شکل‌های گوناگونش می‌توان مورد توجه قرار داد: آبی که در مخزنی ذخیره شده نیرویی فشرده دارد، ولی چون تحرک و جریان ندارد، نه تنها منشأ اثر نمی‌شود، بلکه در معرض تبخیر، انفعال و تعفن نیز هست. یا مثلاً، چشمه‌های کوچک که اگر به اندازه یک سطل از آنها آب بردارند، دوباره می‌جوشد و جایش پر می‌شود؛ اما با این حال، چنان نیست که بتوانند در روی زمین جریان پیدا کنند، گشت‌واری را سیراب نمایند یا منشأ حیات حیوان و انسانی شوند. اما چشمه‌های پر آبی که به صورت نهر جاری می‌شوند و نه تنها در اثر تبخیر نابود نمی‌شوند و در اثر برخورد با آلوده نمی‌گردند، بلکه آلودگی‌ها را می‌زدایند و موجب رشد گیاهان و هزاران موجود زنده‌اند. نوع دیگری از آب است. انسان بی تحرک و راحت‌طلب همانند آب را کادی است که استعدادش به فعلیت نرسیده، از عوامل اجتماعی آسیب می‌پذیرد و منشأ خیر و برکتی برای جامعه نمی‌شود. انسان‌هایی که تقوای فردی دارند مانند چشمه‌های کوچکی هستند که به منبع نیرو متصلند، اما با وجود این، چندان نفعی برای دیگران ندارند. اما بسیجی پیوسته می‌جوشد و می‌خروشد و آلودگی‌ها را از بین می‌برد و منشأ حیات، رشد و بالندگی می‌گردد.

نیروهای پراکنده‌ای که در جامعه اسلامی به برکت تربیت درست، ذخیره شده بود، با نهضت امام راحیل (ع)، حالت پیوستگی و وحدت یافت و با جهت‌گیری صحیح، به سمت هدفی والا و الهی، به جریان افتاد و سیل آسا، آلودگی‌های طاغوت و عوامل آن را از سر راه برداشت و پیروزی انقلاب را ممکن ساخت. این نیروهای دیگر با درک خطر، در مقابل گروهک‌های الحادی و التقاطی و همچنین در جنگ تحمیلی، که کیان انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرد، همچون سدی شکست‌ناپذیر در برابر هجوم متجاوزان ایستادند و دشمن را وادار به عقب‌نشینی نمودند. در واقع، پیروزی انقلاب، بلکه وجود کشور موهون نیروهای بسیجی است؛ بقای این نظام هم در گرو بقای نیروی بسیج و قدرت و توان آن است.

هرچند بسیج در دوران جنگ تحمیلی به شکل یک نیروی دفاعی و نظامی ظهور کرد؛ اما پشتوانه فرهنگی آن محدود به دایره نظامی نیست. ایمان به مبدأ و معاد سرمایه اصلی بسیجی است که او را آماده خدمت و فداکاری در همه صحنه‌های زندگی، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... می‌کند. حضور بسیجیان با ویژگی‌های روحی و فکری خاص خود در صحنه‌های سازندگی و آبادانی کشور، نمونه‌ای از تفکر بسیجی در جامعه ماست. امروز دشمنان اسلام و انقلاب نیروهای خود را در جبهه فرهنگی متمرکز کرده و تصمیم گرفته‌اند تا ارزش‌های انقلاب را کم‌رنگ و ایمان مذهبی را با وسوسه شیطانی خود زیر پوشش روشن‌فکری و علم‌پرستی تضعیف کنند. وظیفه بسیجی آن است که با تمام توان خود، در برابر این خطر که بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین خطر برای اسلام و انقلاب است، قیام کند و انواع حیل‌های دشمنان را در زمینه‌های فکری، فلسفی، هنری و... شناسایی کند و در برابر هر یک عکس‌العمل مناسب و سنجیده‌ای از خود بروز دهد.